

این متن به پوران بازرگان تقدیم میشود که در شرایط جهل و ریا، از مبارزه پای نمی بندد .
جمیله ندانی

سیمون دوبوار، نهم ژانویه ۱۹۰۸ در پاریس متولد می شود. در سال ۱۹۲۵ در هفده سالگی دیپلم ریاضی می گیرد و همزمان در انیستیتو سنت ماری به تحصیل ادبیات می پردازد. و تا ۱۹۳۰ و قتش را بین دانشگاه سوربون و مدرسه سنت ماری و مدرسه عالی میگذراند. در سال ۱۹۲۹ پایان نامه اش « اخلاق و روانشناسی » را می نویسد و در رشته فلسفه فارغ التحصیل می شود. از این سال تا سال ۱۹۴۳ در شهر های ماریسی، روان و پاریس به تدریس می پردازد. پنج رمان، یک نمایشنامه، چندین جلد کتاب خاطرات، و بسیاری مقالات فلسفی و سیاسی نوشته است. « جنس دوم » انقلابی ترین نوشته سیاسی اجتماعی اوست. (۱)
این کتاب اولین بار در سال ۱۹۴۹ چاپ می شود و از این تاریخ تا امروز بر تمامی بحث های در مورد زنان و روابط جنسی و روابط اجتماعی سیاسی زن و مرد و تنوری های فمینیسم تاثیر عمیق گذاشته است.
سیمون دوبوار تا چهارده آوریل ۱۹۸۶ که چشم از جهان فروبست، همواره در فصلنامه عصر تجدید (۲) که با ژان پل سارتر تاسیس کرده بود، می نوشت. و از مبارزات زنان فمینیست و جنبشهای آزادیخواهانه دفاع می کرد .
در مورد ایران، وقتی اسفند ماه ۱۳۷۵ زنان ایرانی در تهران به تظاهرات ضد حجاب اجباری پرداختند، در جلسات متعدد و برنامه های تلویزیونی از جنبش زنان ایران برای آزادی دفاع کرد.
در صحبت امروز، به مناسبت پنجاهمین سال انتشار جنس دوم، به چند نکته در مورد کتاب اکتفا می کنم.

۱- چرا سیمون دوبوار این کتاب را نوشت؟

بین سالهای ۱۹۳۹ تا اواخر ۱۹۴۵ که فرانسه در اشغال آلمان نازی است سیمون دوبوار هر روز چند ساعت از وقتش را در کتابخانه ملی می گذراند با مطالعه آثار فلاسفه از ارسطو تا نیچه متوجه می شود که زنان در تعاریف از هستی کنار گذاشته شده اند، با تعریف هگل از هستی که میگوید «هستی متولد شدن نیست، هستی تبدیل شدن است». سیمون می بیند هستی زنان آن چیزی است که در شرایط اجتماعی و سیاسی ساخته می شود. و تا امروز، در تعاریف کلی از انسان، زن موجودی است که از او تعریفی در دست نیست و یا درجه دوم و پائین تر از مرد تعریف شده است. و شرایط اجتماعی هم آن چنان است که زنان امکان نمی یابند در ارگانهای سیاسی و اجتماعی جایی برابر با مردان بیابند و تعریف خودشان را بدهند. او میپرسد آیا چنین موقعیتی باید ادامه پیدا کند، یا می توانیم با ریشه یابی دلایل عقب نگاه داشته شدن زنان، شرایط را عوض کنیم؟

در میان نویسندگان استثنایان میباید که زنان اندیشده اند، مثل مونتیان که گفته است «محکوم کردن زنان آسانتر از محکوم کردن دیگری است» (دیگری به معنای مرد) در قوانین رومن زن موجودی ضعیف و بی فکر تعریف شده است .
مونتیان می گوید «طبیعی است که زنان رسوم و قوانینی را که برای آنها وضع شده نپذیرند، چون از شروع تاریخ امروز، همه ادیان و قوانین سیاسی اجتماعی را مردان نوشته اند.» در قرن هیجده بعضی مثل دیده رو و استوارت میل می نویسد زن هم موجودی انسانی چون مرد است، اما نظر فقط چند فیلسوف استثنائی کافی نیست .

سیمون با تحلیل نظرات فلاسفه و نویسندگان، بخصوص متفکرین عصر تجدید، (مدرنیته)، بسیاری سوالات جدید مطرح می کند جنس دوم هزار و صد صفحه است. جلد اول در قسمت اول، در سه فصل، تفسیر و تعاریف طبیعت گرا - نگاه روانشناسان - و نگاه ماتریالیسم تاریخی را بررسی می کند. در قسمت دوم، در پنج فصل، توضیح می دهد بطور تاریخ را مردان، از مردان و برای مردان نوشته اند. در قسمت سوم در سه فصل به تعاریف اساطیری در آثار مونترلاند، لارنس، کلودل، برتون، استاندال می پردازد.
در جلد دوم، در قسمت اول، در چهار فصل، کودکی، دختر جوان، تربیت جنسی، لژیون - به نوع آموزش زنان که از آنان انسانی ضعیف می سازد می پردازد. در قسمت دوم، در شش فصل - زن شوهردار - مادریت - زندگی اجتماعی - زن فاحشه و فاحشه کلاس بالا - از بلوغ تا پیری - موقعیت و کاراکتر زن - شرایط اجتماعی و تفکر مردانه می پردازد که به زنان نقشهای دلخواه خودشان را می دهند. (با نگاه به آثار ادبی، مثل بالزک و امیل زوالا) در قسمت سوم در سه فصل، خودخواهی یا درونگرایی - عشق - و عارف، به تعریف و توجیه تنهایی و اطاعت و سرسپردگی مذهبی زن در رابطه با مرد می پردازد. و در قسمت آخر در دو فصل - زن مستقل - و جمعبدی - مشکلاتی را که در راه برابری زن و مرد برای رسیدن به آزادی قرار دارد، بررسی میکند.

۲- تاثیر مطالب کتاب در چنین زنان

کتاب در چاپ اول، در هفته اول، بیست و دهنزار نسخه فروش می رود. استقبال بی نظیر از کتاب عکس العمل های شدید و مخالف هم بر می انگیزد. فراسوا موریاک در فیگارو که در مورد ادبیات غیر اخلاقی قلم می زند، می نویسد « دیگر از حد تحمل گذشته است ، آدم استفراغش می گیرد.» و به یکی از نویسندگان فصلنامه عصر جدید می نویسد « ما همه چیز را در مورد مهبل رئیس شما فهمیدیم ».

در بین اعضای حزب کمونیست فرانسه هم که بعد از جنگ از سیاست خانواده دفاع میکند، (با شعار سوسالیسم فرزند لازم دارد) بر خورد شدیدی با مطالب کتاب می شود. دومینیك لوسانتی از نویسندگان نوول لیتر که عضو حزب است و برای اینکه بتواند مبارزه کند، تصمیم گرفته است بچه دار نشود، میگوید، «سر دبیر از من خواست مطلبی انتقادی در مورد جنس دوم بنویسم، من که کاملاً با

بسیاری از مطالب کتاب موافق بودم گفتم خب حرفهای سیمون درست است. سر دبیر گفت صلاح نیست که بگویی بچه دار نشدن تصمیم نوست، بهتر است بگویی که عقیم هستی».

بعد ها در کتاب (وضعیت اضطراری) که در سال ۱۹۶۳ منتشر می شود. سیمون دوبووار مفصل به تحلیل برخورد ها می پردازد. با تمام نامهایی که به من دادند، دختر بیچاره، عصبی، سرکوب شده جنسی، پر عقده، محروم و غیره، همه در خلوت کتاب مرا می خواندند. زنان در مطالب کتاب من تصاویری از خودشان پیدا کردند که اعتراضشان را علیه اسطوره های قدیمی که تخریب شان کرده بود - برانگیخت. زنها ناگهان دیدند که موقعیت هر کدام شان اختصاصی نیست. بلکه این شرایط همگانی است - بعضی از ملامت کردن خود و حس گناه دست کشیدند و قدرت مبارزه برای تغییر شرایط کردند.

در سالهای شصت و هفتاد زنهای فمنیست انقلابی همه تعاریف دیگری از جنس دوم دادند. کلر دوشن نویسنده انگلیسی زبان در مورد حقوق زنان و زندگی زنان بین سال های ۱۹۴۴ و ۱۹۶۸ در فرانسه می نویسد جنبش زنان در فرانسه بعد از جنگ اصلاح طلب بود و زیر فشار ارزشهای پدرسالارانه بیشتر به تغییرات شرایط و زندگی خانواده می پرداخت، زنهای سازمان های چپ معتقد بودند تا از بین رفتن تفاوت های طبقاتی باید منتظر برابری واقعی زنان و مردان ماند. اما کتاب سیمون دوبووار چنان تاثیری بر زنان گذاشت که برای بدست آوردن بدن خود انقلاب کردند و تصمیم گرفتند جنبش جهانی زنان را تا رسیدن جامعه موعود بی طبقه عقب نیندازند.

الیزابت بدنتر می نویسد «ما زنان همه به او مدیون هستیم» ما دختران پانزده شانزده ساله، و بسیار مرتب و منظم و سر بزیرو آرام بودیم. وقتی کتاب جنس دوم را کشف کردیم، همه پیام روشن سیمون را دریافتیم. «دنیا از آن ماست، فقط باید فتحش کنیم.» میشل لودوف که دهسال پیش سمینار چهلمین سال انتشار کتاب را برگزار کرد می نویسد «هزاران زن پس از خواندن کتاب از تنهایی و افسردگی های شخصی رها شدند. ناگهان همه ما دیدیم آنچه ما را می آزارد همگانی ست و باید به سرعت دست به کار شویم و خواستهای خاص زنان را جمعی طرح کنیم.»

سال ۱۹۷۱ زن های انقلابی برای آزادی سقط جنین و جلوگیری از بار داری ناخواسته از زنان صاحب نام خواستند که علناً اعلام کنند که همه سقط جنین کرده اند. این بیانیه به نام بیانیه ۳۴۳ سلیطه معروف است. سیمون دوبووار، مارگارت دوراس، دلفین سیرگ، انیس واردا، ایوت رودی، فرانسواز ژیرو، ژیزل حلیمی وکالت سه زن را به عهده می گیرد. اتهام این زنان اینست که کمک کرده اند دختر یکی از آنها سقط جنین کند..... به دخترک تجاوز شده است. و طبق قانون ۱۹۲۰ سقط جنین جنایت محسوب میشود. دفع حلیمی از زنان به محکوم کردن قانون ۱۹۲۰ تبدیل می شود. سیمون دوبووار در تمام جلسات حضور دارد. جریان این دادگاه باعث می شود که در سال ۱۹۷۵ قانون اصلاح شود و زنان حق سقط جنین و استفاده از قرص های ضد حاملگی را بدست بیاورند. این قانون به نام وی معروف است. چون لایحه از طرف سیمون وی به مجلس رفته است.

سیمون دوبووار مخالف سیاست های دولت های وقت بود و از زمانی که با سیاست های موجود به سیاست می پرداختند انتقاد می کرد. و در حمایتش از مبارزات آزادیخواهان جهان مورد الجزیره بسیار مهم است. برای استقلال الجزیره حامی انقلابیون بود. ژنرال حلیمی که موفق شده بود با جمیله بوپاشا مصاحبه های طولانی بکند، موفق شد مذاکرات دادگاه با شکنجه گران را با کمک سیمون دوبووار منتشر کند. چون از نظر قانونی مطالب دادگاه نمی توانست نشر عمومی پیدا کند. کتاب را ژنرال حلیمی نوشت اما سیمون دوبووار اعتصابات کارگری سال شصت و هشت لازم است یادآوری کنم که سیمون دوبووار همیشه کنار ژان پل سارتر بود و سارتر که تمام در آمدش صرف دادگاه های علیه روزنامه لیبراسیون می شد، به کمک مالی سیمون دوبووار هم نیاز داشت.

در سال ۱۹۷۰ سیمون دوبووار با کریستین دلفی فصلنامه مهم تنوریک «سوالات فمنیست ها» را پایه گذاری می کند که بر اساس تنوری طرح شده در جنس دوم است. سال ۸۰ دوره جدید این فصلنامه با نام «سوالات جدید فمنیستها» تا امروز منتشر می شود نویسندگان این فصلنامه، نیکول کلودماتیو، کولت گیلیوم، فرانسواز آرمنگو، مونیك پلازا، اندره میشل وبقیه خود را وارث تفکر سیمون دوبووار، مارکسیست، ماتریالیست، آنتی دیفرانسیالیست، آنتی اساتسیالیست می دانند و مدعی رادیکالیزه کردن ایده فرهنگی اگزیستانسیالیسم دوبووار هستند.

۳- فمنیست های امروز و جنس دوم

امروز که تنوری های مبارزاتی فمنیست ها بسیار پیش رفته است. دختران دوبووار ایده های او را با بحث و جدل به تنوری های جدیدی تبدیل کرده اند و هر روز در جلسه بی بحث دیگری طرح می شود که ادامه تفکر او هست اما بسیار شکل عوض کرده است. دوبووار در سال هفتاد و شش در مصاحبه بی می گوید: اگر کتاب را دوباره می نوشتم در تحلیل ماتریالیستی عمیق تر کار می کردم.

کتاب در مورد زنان باید نتیجه خواست های جمعی زنان باشد و بخصوص باید به مبارزات عملی زنان بپردازد نه فقط به تنوری. جنس دوم از تنوری شروع شده است. امروز باید نوع دیگری کار کرد. فقط در عمل است که متوجه می شویم چطور مبارزه برای برابری جنسی همگام مبارزات طبقاتی و در هم ادغام می شود.

ژنویو فرز فیلسوف می گوید: ما در تمجید از جنس دوم زیاده روی کردیم، گفتن اینکه، این کتاب ماخذ تنوری های سمبولیک و تاریخی فمنیسم است، کمی اغراق است. اهمیت این کتاب تعریف فلسفی از تفاوت دو جنس است که با طرح کردن دیگری به نام زن تعاریف قدیمی را دگرگون کرد.

فرانسواز پیک نویسنده «آزادی زنان، سال های جنبش» معتقد است: سیمون دوبووار دو بحث مهم را در جنبش زنان طرح کرد.

۳- نابرابری اجتماعی زن و مرد، و تعریف دادن از دیگری، زن

۴- با تحلیل مارکسیستی از رابطه زن و مرد، و مبارزه جمعی، برنامه انقلابی پیشنهاد کرد. ژیزل حلیمی حقوق دان فمنیست، می گوید: آنچه که ما توانستیم در سال های هفتاد در جامعه به طور وسیعی مطرح کنیم. حق بارداری دلخواه، حق سقط جنین، برابری حقوقی در مقابل کار مساوی، استقلال اقتصادی زن، نقد کشیدن ازدواج، افشای خشونت جنسی، همه از افکار سیمون دوبووار سرچشمه گرفته بود.

کریستین دلفی جامعه شناس فمنیست می گوید: سیمون دوبووار در بحث تنوریک مارکسیستی انعطاف زیادی نشان می دهد، و گاهی مباحثی متناقض طرح می کند. او فکر می کند که تنوری مارکسیستی طرح شده در «منشا خانواده انگلس» کافی ست. در حالی که در مارکسیسم هم تفکر پدرسالاری نفوذ دارد و استعمار زنان به عناوین مختلف نادیده گرفته شده است. ما مردان و زنان دو گروه طبیعی تاریخی نیستیم که ارتباط سلسله مراتبی (هیرارشیک) داشته باشیم. رابطه اجتماعی فعلی زن و مرد، قدرت برتر مرد بر زن است که نیروی تولید زن را تصرف می کند. در دو کلمه، رابطه تولید و بهره از تولید این رابطه را تبدیل به رابطه طبقاتی می کند.

کلام آخر: فمنیسم و سوسیالیسم

سیمون دوبووار می گوید: وقتی در تمام جهان جامعه سوسیالیستی برقرار شود، زنان و مردان انسان های برابری خواهند بود که کار مساوی، دستمزد مساوی و حقوق مساوی خواهند داشت.

این متن برای گردهمایی روز زن، ۱۴ مارس ۹۹ در پاریس تهیه شده بود که به علت ضیق وقت حذف شد. □